

## ساخت و اعتباریابی آزمون فرافکن تصویری برای سنجش دلستگی در کودکان ۶-۱۲ ساله

سیمین رونقی<sup>۱</sup>  
دکتر علی دلاور<sup>۲</sup>  
دکتر حسن احدی<sup>۳</sup>  
دکتر فرهاد جمهری<sup>۴</sup>

تاریخ پذیرش:

تاریخ داوری:

تاریخ وصول:

### چکیده

هدف اصلی این پژوهش، ساخت و اعتباریابی یک آزمون فرافکن تصویری برای سنجش دلستگی کودکان ۶-۱۲ ساله بود. روش نمونه گیری تصادفی از یک جامعه در دسترس بود که برای این منظور ابتدا ۵۰۰ کودک دانش آموز پایه های اول تا پنجم مقطع ابتدایی شهرستان کرج بزرگ توسط «مقیاس دلستگی کودکان ۶-۱۲ ساله» مورد سنجش قرار گرفتند. سپس بر اساس نتایج حاصله از میان ۹۰ کودک نایمن در دسترس ۳۰ کودک (۱۵ دختر و ۱۵ پسر) تصادفی انتخاب شدند از میان ۴۱۰ کودک ایمن ۳۰ کودک از نظر جنس، سن، کلاس و منطقه تحصیلی با آنها همتراز گردیدند. آزمون فرافکن روی این ۶۰ کودک اجرا شد. برای ساخت آزمون فرافکن مراحل زیر دنبال شدند: ۱- نظرسنجی از کودکان و بزرگسالان ۲- تعیین موقعیت های اضطراب زا ۳- تعیین حیوانات نقاشی ها و تهیه نقاشی ها ۴- تهیه ملاک های محتوایی داستان ها براساس تحلیل محتوا ۵- اجرای مقدماتی و اصلی. سه مؤلفه اصلی ایمنی، اضطراب و اجتناب برای بررسی نوع دلستگی در نظر گرفته شده و ۶ موقعیت اضطراب زا تعیین گردید. هر موقعیت در سه مرحله پیوند، جدایی و بازپیوند

۱- دانشجوی دکتری آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

۳- عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

۴- عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

کودک - والد ترسیم گردید. در مجموع ۱۸ نقاشی تهیه شد.

اعتبار محتوایی آزمون توسط بررسی منابع موجود و نظر متخصصین تأیید شد. آزمون  $t$  مستقل برای بررسی تفاوت میانگین نمرات مؤلفه‌ها بین دو گروه ایمن و نایمن در تمام موارد معنی دار بود و روایی افتراقی آزمون را تأیید کرد. یک آزمون محقق ساخته در مورد مشکلات سازگاری و رفتاری کودکان دو گروه اجرا شد و ضرایب همبستگی بین نتایج این آزمون و آزمون اصلی وجود روایی همگرا را تأیید کردند. ضریب همسانی درونی آزمون (آلفای کرونباخ) برای مؤلفه‌های ایمنی =  $0/816$ ، اجتناب =  $0/78$  و اضطراب =  $0/619$  می‌باشد که پایایی آزمون را اثبات می‌کند.

طبق نتایج بدست آمده «آزمون فرافکن دلبستگی در کودکان ۶-۱۲ ساله» از پایایی و اعتبار کافی برخوردار می‌باشد.

واژگان کلیدی: دلبستگی، کودکی میانه، آزمون فرافکن.

#### مقدمه

امروزه نظریه دلبستگی (بالبی<sup>۱</sup> ۸۲-۱۹۶۹) یکی از برانگیزاننده‌ترین و فعال‌ترین حیطه‌های پژوهش در روان‌شناسی است. از جمله مهم‌ترین مقوله‌های مورد توجه محققین در این نظریه سنجش نوع و میزان ایمنی دلبستگی و اختلالات آن است. از آنجا که نوع رابطه دلبستگی که کودک ایجاد می‌کند در تمام گستره عمر با او خواهد بود و تأثیر بسیاری بر روابط اجتماعی، عاطفی وی از جمله روابط با همسالان، زوج‌یابی، موفقیت زناشویی، روابط با فرزندان و همکاری اجتماعی او خواهد داشت (برای مثال اینزورث ۱۹۹۰، هزن و شیور ۱۹۹۴، گرین، استنلی، اسمیت، گلدوین ۲۰۰۰، جورج، کاپلان و مین ۱۹۹۶، کراول، فرالی و شیور ۱۹۹۹، کنتراس و کرنز ۲۰۰۰، بلک، جاگر، مک کارتنی و کریتندن ۲۰۰۰)<sup>۲</sup> تشخیص هر چه زودتر اختلالات دلبستگی و مداخله برای رفع این اختلالات می‌تواند اثر

1. Bowlby. j

2. Ainsworth (1990), Hazan & Shaver (1994), Green, Stanley, Smith, Goldwyn (2000), George, Kaplan, Main (1996), Crowell, Fraley, Shaver (1999), Contreras, Kerns (2000), Black, Jaeger, Mc. Cartney & Gritenden (2000).

مهمی در سازگاری و موفقیت آتی فرد و کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از اختلال داشته باشد. لذا سنجش نوع دلبستگی و میزان ایمنی آن در کودکان اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند. اولین مقیاسی که در این زمینه برای کودکان ساخته شد «موقعیت ناآشنا» (اینزورث ۱۹۶۷) نام داشت. در این آزمون که برای کودکان ۹ تا ۲۴ ماهه تهیه شده، مادر و کودک در موقعیتی آزمایشگاهی قرار می‌گیرند و در آن رفتارهای کودک هنگام جدایی و باز پیوند با مادر، همراه با حضور موقتی یک غریبه در موقعیت سنجیده و کدگذاری می‌شود. پس از این آزمون تلاش‌های بسیاری برای ساخت آزمون‌هایی برای سنین بالاتر انجام شده که همگی به نوعی از این آزمون الهام گرفته‌اند. به‌طور کلی آزمون‌ها و مقیاس‌هایی که برای سنجش دلبستگی در کودکان ساخته شده‌اند بر سه گروه هستند: ۱- مقیاس‌های مبتنی بر موقعیت ناآشنا ۲- پرسشنامه‌ها و روش‌های دسته‌بندی سئوالات ۳- روش‌های سنجش بازنمایانه (فرافکن) نظیر آزمون‌های تصویری، داستان‌گویی یا عروسک بازی.

هدف از همه این آزمون‌ها سنجش ایمنی دلبستگی در کودکان است. دلبستگی ایمن<sup>۳</sup> (اینزورث، بلهار، واترز و وال<sup>۴</sup> ۱۹۷۸) چنین تعریف شده است: «وضعیت ایمن بودن یا عدم نگرانی و مشکل برای دسترسی به نگار دلبستگی»<sup>۵</sup> به عنوان یک ساختار هرگز نمی‌توان ایمنی را به‌صورت مستقیم مشاهده کرد ولی می‌توان آن را از طریق آنچه قابل مشاهده است درک نمود (نونالی<sup>۶</sup> ۱۹۷۸). برای محققان دلبستگی قلمرو موارد قابل مشاهده قبلاً از طریق نظریه بالبی بدست آمده است. «رفتارهای دلبستگی»<sup>۷</sup> آنهایی هستند که باعث افزایش مجاورت و یا حفظ تماس با یک نگار دلبستگی خاص می‌شوند. مشخص شده که این رفتارها براساس یک سیستم درونی کنترلی<sup>۸</sup> (نظام دلبستگی) سازمان می‌یابند که عملکرد عملکرد انطباقی و سازشی آن حفاظت از طفل و رسیدن به هدف مجاورت جسمی و یا

- 
- 1.Strange situation
  - 2.Q-Sort techniques
  - 3.Secure attachment
  - 4.Ainsworth, Blehar , waters & wall 1978
  - 5.Attachment figure
  - 6.Nunnally (1978)
  - 7.Attachment behaviors
  - 8.Internal controlling system

احساس ایمنی کردن است (سروفی ۱۹۷۹، سروفی و واترز<sup>۱</sup> ۱۹۷۷). ویژگی حیاتی این مدل که کاربردهای مهمی برای سنجش و ارزیابی دارد باید مورد توجه قرار گیرد: نوع رفتار دلبستگی (گریه، جستجوی نگار، بی‌قراری...) که مشاهده می‌شود به درجه برانگیختگی نظام دلبستگی بستگی دارد. یعنی شدت معین اضطراب باعث برانگیختن درجات خاصی از رفتار دلبستگی می‌شود. برای سنجش ایمنی دلبستگی باید موقعیت‌هایی را در نظر گرفت که حدود تفاوت و متنوعی از برانگیزاننده بودن را در بر داشته باشند زیرا موقعیت‌های کم اضطراب اصلاً رفتار دلبستگی را ظاهر نمی‌کنند و موقعیت‌های پراضطراب باعث یخ زدگی رفتار یا مبهوت شدن کودک می‌شوند. مسئله مهم دیگر در دوره کودکی میانه این است که در این دوران موقعیت‌های کمتری به‌عنوان تهدید کننده تلقی می‌شوند. رشد شناختی، کلامی، اجتماعی و در نتیجه دانش و اطلاع کودک از در دسترس بودن والدین و توانایی تصور و پیش‌بینی رفتار آنها به‌صورت فزاینده‌ای باعث کاهش و پایان یافتن رفتار دلبستگی می‌شود و در نتیجه موقعیت‌های فیزیکی نظیر آزمون موقعیت ناآشنا یا پرسشنامه‌ها در این دوران کارآمدی نخواهند داشت.

در همین راستا بررسی کلی آزمون‌های موجود برای سنجش ایمنی دلبستگی در سنین کودکی میانه (۶-۱۲ سال) نشان داده است که همین آزمون‌های موجود شواهد اندکی برای اعتبار و پایایی قابل قبول خود ارائه کرده‌اند. (جورج و سولومون a-b ۱۹۹۶، سولومون و جورج<sup>۲</sup> ۱۹۹۹) به‌علاوه این آزمون‌ها عمدتاً برای فرهنگ‌های غربی تهیه شده‌اند و احتمالاً با توجه به اینکه در دوره کودکی میانه رشد و تحول اجتماعی و فرهنگی و شناختی کودک به حدی می‌رسد که آشکارا می‌توان او را موجودی فرهنگی تصور کرد که براساس معیارهای خانواده و جامعه‌اش تفکر و رفتار می‌کند، این آزمون‌ها نمی‌توانند برای کودکان سنین میانه در فرهنگ شرقی و اسلامی چندان موفق عمل نمایند لذا لازم است ابزارهای مناسبی برای سنجش دلبستگی در کودکی میانه در فرهنگ شرقی - اسلامی تهیه شود. هدف از پژوهش حاضر تهیهی یک آزمون مناسب برای فرهنگ ایرانی است که با

1. Sroufe, waters 1977  
2. George & Solomon

استفاده از نظریه‌های جدید و کنار گذاشتن روش‌های مورد استفاده در آزمون‌های موجود بتواند جای خالی چنین آزمونی را برای کودکان ایرانی و در صورت مناسب‌سازی در سطح جهانی پر نماید.

## روش

### جامعه و نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر از کلیه دانش‌آموزان (دختر و پسر) مقطع ابتدایی شهر کرج در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ تشکیل شده است. نمونه تحقیق شامل ۳۰ دانش‌آموز دارای دلبستگی ایمن و ۳۰ دانش‌آموز دارای دلبستگی نایمن بود.

روش نمونه‌گیری در دسترس بود. برای نمونه‌گیری در مرحله اول و برای تعیین یک جامعه در دسترس از کودکان ایمن و نایمن، تعداد ۵۰۰ نفر دانش‌آموز دختر و پسر مقطع ابتدایی توسط «مقیاس دلبستگی کودکان» (رونقی، مظاهری، دلاور ۸۷) مورد آزمون قرار گرفتند و نتایج نشان داد از این عده ۹۰ نفر دارای دلبستگی نایمن و ۴۱۰ نفر دارای دلبستگی ایمن بودند. در مرحله بعدی از میان گروه نایمن ۱۵ دختر و ۱۵ پسر به صورت تصادفی انتخاب شده و ۱۵ دختر و ۱۵ پسر در گروه ایمن از نظر سن، جنس، منطقه تحصیلی، مدرسه و کلاس با آنها هم‌تاسازی گردیدند. و آزمون فرافکن تصویری روی این ۶۰ نفر اجرا شد.

## ابزار

### مقیاس دلبستگی کودکان

این آزمون به منظور شناخت و تفکیک کودکان ایمن و نایمن توسط محقق، و با همکاری دکتر علی مظاهری و دکتر علی دلاور ساخته شد، آزمون شامل ۲۸ جمله با سبک هارتر<sup>۱</sup> می‌باشد. در این سبک هر مشخصه رفتاری توسط یک جفت جمله ارائه می‌شود که هر کدام رفتار گروهی از کودکان را در آن مشخصه نشان می‌دهند. برای مثال

1.Hatter

الف: بعضی از کودکان وقتی مادرشان آنها را تنها می‌گذارد ناراحت می‌شوند.  
ب: ولی بعضی از کودکان دیگر وقتی مادرشان آنها را تنها می‌گذارد ناراحت نمی‌شوند.

از کودک خواسته می‌شود ابتدا جمله‌ای را که به او نزدیکتر است انتخاب کند و سپس میزان انطباق جمله با رفتار خودش را روی یک مقیاس لیکرت تعیین نماید. در این مقیاس ۱۴ جمله نشان دهنده رفتارهای اضطرابی و ۱۴ جمله نشان دهنده رفتارهای اجتنابی کودک بودند. جمله ب در هر جفت رفتارهای ایمن را در آن مورد نشان می‌دهد. همسانی درونی برای جملات مقیاس در مؤلفه اضطراب معادل ۰/۸۲ و برای مؤلفه اجتناب معادل ۰/۹۰ بود. اعتبار صوری جملات به تأیید دکتر مظاهری و دکتر جمهوری رسید. پایایی بازآزمایی مقیاس برحسب محاسبه ضرایب همبستگی بین نمره‌های آزمودنی‌ها در دو نوبت با چهار هفته فاصله برای هر دو مؤلفه در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار بودند. همچنین آزمون t وابسته نشان داد میانگین‌ها در دو اجرا در هیچ سطحی تفاوت معنی‌دار ندارند. این نتایج پایایی و اعتبار مناسب این آزمون را نشان می‌دهند.

### آزمون اصلی

برای ساخت آزمون اصلی مراحل زیر طی شد:

الف- نظرسنجی و تعیین موقعیت‌های اضطراب‌زا: برای تعیین موقعیت‌هایی که می‌توانند رفتار دلبستگی را برانگیزند از حدود ۱۰۰ نفر کودک در مقطع دبستان و ۱۰۰ نفر بزرگسال (نوجوان و جوان و میانسال) نظرسنجی شد. موقعیت‌هایی که از نظر اضطراب‌زایی در سطح بسیار بالا یا بسیار پایین بودند حذف شده و شش موقعیت که دارای فراوانی بیشتری در نظر سنجی‌ها بودند، انتخاب شدند. این موقعیت‌ها عبارت بودند از: جا ماندن از خانواده در یک گردش بیرون از شهر، جدایی موقتی از نگار دلبستگی به عنوان تنبیه، گم شدن در جاهای شلوغ مثل پارک یا بازار، تنها ماندن در خانه، تنها ماندن در کوچه و خیابان هنگام بازی و تهدید شدن توسط غریبه‌ها، بستری شدن در بیمارستان.

با توجه به آزمون موقعیت ناآشنا که در سه مرحله (پیوند، جدایی و بازپیوند والد-کودک) طراحی شده هر یک از موقعیت‌های فوق در سه مرحله طراحی گردید.

ب- انتخاب حیوانات نقاشی‌ها: تحقیقات نشان داده‌اند که کودکان هر چه مسن‌تر شوند خودداری و منع بیشتری برای بیان و آشکارسازی اضطراب‌ها و نگرانی‌هایشان نشان می‌دهند. آزمون‌های فرافکن (برای مثال CAT) با به کارگیری اشکال نامعین و قابل تفسیر و ارائه پرسش‌های غیرمستقیم راه‌حل مناسبی برای این معضل ارائه کرده‌اند. در آزمون فرافکن فعلی نیز تصاویر و اشکال حیوانات در موقعیت‌های انسانی ارائه می‌شوند.

محقق با بررسی کتب و داستان‌های کودکان، حیوانات مناسب برای هر موقعیت را تعیین نمود: میمون: بازیگوشی، سگ: نگهبانی، خرس: سر به هوایی، خرگوش: ترسویی، بره: معصومیت گربه: وابستگی، گرگ و روباه: درندگی و تهدید کنندگی.

ج- تهیه نقاشی‌ها: در ابتدا یک سری نقاشی مقدماتی برای موقعیت‌ها ترسیم شد. نقاشی‌ها برای پرهیز از ارائه بار عاطفی مبتنی بر رنگ‌ها به صورت سیاه قلم تهیه گردیدند. یک اجرای مقدماتی انجام شد و نقاط ضعف نقاشی‌ها معین و برطرف گردیدند. اصطلاحاتی که صورت گرفت عبارت بودند از: حذف احساسات از چهره حیوانات (مثل گریه یا خنده)، حذف علائم جنسیتی (مثل پوشش)، حذف علائم فرهنگی (مثل وسایل و چیدمان خانه) و کاهش جزئیات غیرضروری تصاویر که باعث پراکنده شدن حواس کودک می‌شد. سپس یک سری جدید از نقاشی‌ها ترسیم گردید. روی هم رفته ۱۸ نقاشی به صورت کارت‌های در ابعاد A4 تهیه شد.

د- تهیه ملاک‌های محتوایی: ذهنی بودن معیارهای تعبیر و تفسیر آزمون‌های فرافکن یکی از نقاط ضعف این گونه آزمون‌ها می‌باشد. برای پرهیز از این مسئله تمام آزمون‌های موجود برای سنجش دلبستگی کودکان، مقالات موجود در زمینه سنجش و اندازه‌گیری دلبستگی کودکان و ملاک‌های اختلال دلبستگی در DSM IV و ICD 10، مورد بررسی قرار گرفتند. ملاک‌های تکراری حذف شده و ملاک‌های مشابه در گروه‌هایی جمع بندی شدند و در نهایت دو گروه ملاک اصلی برای تفسیر آزمون‌های دلبستگی بدست آمد که عبارتند از:

الف- ماهیت رابطه کودک- والد چیست؟ و توسط کودک چگونه تلقی می‌شود؟  
 ب- توانایی کودک در بیان احساسات و ارتباطات او چگونه بوده؟ یعنی گشودگی احساسات، توانایی بیان خود، پیچیدگی شناختی و ساختار کلامی داستان‌ها.  
 همین دو گروه ملاک برای تعبیر و تفسیر آزمون و فرافکن حاضر به کار گرفته شدند و برگه پاسخنامه که حاوی ۳۰ ملاک رابطه ای و ۱۰ ملاک اضافه برای نوع بیان بود تهیه شد.

نمونه ای از ملاک های ارزیابی برای هر مرحله از تصاویر

بازپیوند	جدایی	پیوند	
کسب ایمنی و آرامش، بهشت ایمنی ایجاد تماس بدنی، کلامی با والد	امکان نجات یافتن و برگشت والد پیدا کردن یک راه مناسب و سازنده	اطمینان از در دسترس بودن والد جستجوگری و بازی با حفظ فاصله ایمن	ایمنی
ترس از جدایی مجدد، تنبیه و عصبانیت والد حفظ سطح اضطراب و ترس و ادامه گریه	(ترس از احساس آسیب پذیری) ترس از تنبیه تنهایی	اضطراب شدید از گم شدن، یا آسیب دیدن ترس از عدم دسترس بودن والد	اضطراب
بی توجهی به بازگشت والد و بی تفاوتی ناراحتی از محدود شدن مجدد	بی تفاوتی بی اهمیت بودن غیبت والدین اعتقاد به عدم توانایی و علاقه یاریگری والد	فاصله گرفتن بی پروا برای بازی و عدم نگرانی عدم علاقه به حفظ تماس با والد	ایستادگی





الف: پیوند

ب: جدایی



ج: باز پیوند

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات  
پرمال جامع علوم انسانی

ه- اجرا: در مرحله اجرای اصلی آزمون روی ۳۰ کودک ایمن و ۳۰ کودک نا ایمن اجرا شد. نحوه اجرا بصورت انفرادی و مصاحبه‌ای است. تصاویر یکی یکی به کودک ارائه می‌شوند و از او خواسته می‌شود داستان هر شکل را تعریف کند و بگوید قهرمان داستان چه احساس و چه فکری دارد، چه کار می‌خواهند بکنند، نگار دلبستگی کودک (پدر یا مادر) در داستان کیست و او چه کاری خواهد کرد.

صدای کودک در حین داستان گویی ضبط می‌شود. چنانچه کودک نتواند داستان‌ها را به روشنی و وضوح بیان کند سئوالاتی برای روشن شدن وضعیت ذهنی او از نظر دلبستگی مطرح می‌شود. معمولاً کودکان نا ایمن نمی‌توانند پاسخ‌های روشن و واضحی ارائه کنند و گاهی اوقات دچار ضد و نقیض گویی شده و یا پاسخ‌های دوسوگرا ارائه می‌کنند. در این گونه موارد لازم است پاسخ‌ها توسط مجری بررسی شوند. همچنین به علت ویژگی‌های رشد اجتماعی کودکان و اهمیتی که در این سن برای نظر بزرگترها قائل هستند چنانچه حس کنند مجری نظری مغایر با داستان آنها دارد احتمال دارد در تأیید نظر مجری نظر خود را تغییر دهند. در این حالت مجری با طرح سئوالاتی که جنبه خنثی و بی طرفانه بودن آنها حفظ شده باشد نظر کودک را مورد واریسی قرار می‌دهد. همچنین طرح این سئوال که اگر خود تو جای این قهرمان بودی چه می‌کردی می‌تواند به کاهش احتمال تقلید و پیروی کودک از نظر مجری منجر شود.

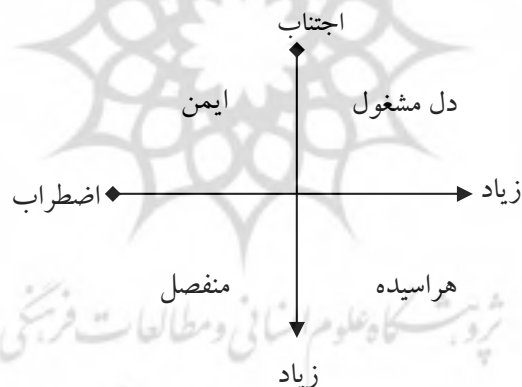
### مدت زمان اجرا

برحسب و متناسب با سن کودک زمان اجرا از ۳۰ تا ۴۵ دقیقه تغییر می‌کند. کودکان کم سن تر باید بیشتر مورد پرس و جو قرار گیرند و کمتر می‌توانند داستان‌های واضح بسازند یا آن‌ها را بیان کنند در حالی که کودکان مسن تر (پایه‌های سوم تا پنجم) راحت تر صحبت می‌کنند. همچنین ایمنی یا نا ایمنی کودک نیز در این زمینه مؤثر است. کودکان نا ایمن وضوح، دقت و انسجام کمتر و پاسخ‌های دو سویه و متناقض بیشتری ارائه می‌دهند که نیاز به واریسی دارد. علاوه بر این کودکان به شدت نا ایمن در برابر بعضی محرک‌های تصویری به علت منع و بازداری درونی پاسخ نمی‌دهند و سکوت می‌کنند و گاهی نیز تقاضای تغییر کارت داستان یا رها کردن آزمون را دارند که باعث افزایش مدت اجرا می‌شود.

### استخراج نتایج

برنان، فرالی و والر (۲۰۰۰)<sup>۱</sup> در یک فرا تحلیل روی تحقیقات انجام شده درباره دلبستگی بزرگسالان وجود دو مولفه اصلی اضطراب و اجتناب را در دلبستگی به اثبات رساندند. بر همین مبنا ملاک‌های تحلیل محتوا در سه مؤلفه ایمنی (رفتارها و بیاناتی که ایمنی دلبستگی را می‌رسانند) اضطراب (بیانات و رفتارهایی که نشانگر اضطراب تصاویر از طرد شدن و تنها ماندن هستند) و اجتناب (گفتارها و رفتارهایی که نشان‌دهنده اجتناب از ایجاد رابطه عاطفی و صمیمانه با دیگران هستند) تنظیم شد.

برای تعیین نمره نهایی تعداد پاسخ‌های کودک در هر مؤلفه جمع زده می‌شود و سپس تقسیم بر ۳ (سه مرحله پیوند، جدایی، باز پیوند برای هر داستان) می‌گردد. خارج قسمت حاصل، نمره فرد در مؤلفه مورد نظر است برای تعیین نوع دلبستگی کودک با استفاده از دو نمره اجتناب و اضطراب جای او روی یک نمودار دو محوری معین می‌شود.



1. Brennan , Fraley & Waller (2000)

## یافته‌ها

هدف از اجرای این رساله ساخت و اعتباریابی یک آزمون فرافکن تصویری بود. برای اعتباریابی این آزمون بررسی‌هایی انجام شد. نتایج بررسی‌ها در تعیین روایی آزمون نشان می‌دهند:

روایی صوری یا محتوایی: آزمون با بررسی سوابق تحقیقاتی در مورد موضوع به تأیید دو نفر از اساتید متخصص در زمینه دل‌بستگی رسید.

روایی افتراقی: نمرات دو گروه ایمن و نایمن (در کل) در مؤلفه‌های ایمنی، اضطراب و اجتناب و به تفکیک دختران و پسران با آزمون  $t$  مستقل مورد سنجش قرار گرفت. جداول ۳، ۲، ۱ این نتایج را نشان می‌دهند. همانگونه که نشان می‌دهند تمام تفاوت‌ها بین دو گروه ایمن و نایمن (پسران، دختران و کل) در سطح  $0/01$  یا بیشتر معنی‌دار هستند. بیشترین تفاوت‌ها در دو گروه در مؤلفه ایمنی دیده می‌شود. این نتیجه توانایی افتراقی آزمون را اثبات می‌کند.

روایی همزمان: همزمان با اجرای «مقیاس دل‌بستگی کودکان» یک پرسشنامه محقق ساخته که براساس نتایج حاصل از تحقیقات قبلی در مورد وجود مشکلات رفتاری، تحصیلی، سازگاری با دوستان و با مقررات مدرسه تهیه شده بود در مورد کودکان گروه نمونه توسط معلم و معاون مدرسه تکمیل گردید. جدول ۴ نشان دهنده نتایج حاصل از اجرای این پرسشنامه هستند. همانطور که دیده می‌شود کودکان ایمن به صورت معنی‌داری کمتر ( $Z=-2/89$   $a=0/004$ ) از گروه نایمن مشکلات رفتاری داشته‌اند.

همچنین میزان سازگاری با دوستان و سازگاری با قوانین مدرسه برای کودکان ایمن به صورت معنی‌داری بالاتر از کودکان نایمن ( $Z=2/125$  و  $Z=2/23$ ) بوده است ولی در مورد وجود مشکلات تحصیلی جدی با وجودی که کودکان ایمن کمتر از کودکان نایمن مشکلات تحصیلی داشتند ولی تفاوت معنی‌دار نبوده است. این نتایج با نتایج تحقیقات قبلی در این زمینه هماهنگ می‌باشند.

### در زمینه سنجش اعتبار آزمون نتایج نشان می دهند:

۱- باتوجه به اینکه امکان بازآزمایی، تهیه فرم‌های موازی و دو نیمه کردن آزمون‌های فرافکن وجود ندارد، تنها راه ممکن، برای تعیین اعتبار استفاده از آزمون «آلفای کرونباخ» برای تعیین همسانی درونی آزمون بوده است. ضریب آلفا برای مؤلفه ایمنی =  $0/816$ ، برای مؤلفه اضطراب =  $0/619$ ، و برای مؤلفه اجتناب =  $0/780$  بوده است. که نشان دهنده همسانی درونی قابل قبول می‌باشد.

۲- توافق بین کدگذاران: باتوجه به اینکه دیدگاه‌های مختلف، تجارب متفاوت و نوع و میزان آموزش دیدن کدگذاران می‌تواند روی نتایج حاصل از تحلیل محتوا مؤثر باشد، تعیین ضریب توافق بین کدگذاران یکی از راه‌های تعیین اعتبار آزمون‌های فرافکن است (کریستن و کلاوسن ۱۹۹۴ کوباک و اسپوزیتو و سرویک ۲۰۰۳، سولومون و جورج ۱۹۹۴). در آزمون فعلی به جز محقق یکی از همکاران او مصاحبه‌ها را کدگذاری کردند. نتایج جدول ۵ نشان دهنده ضریب همبستگی بین نمره‌گذاری‌های کدگذار اول و دوم می‌باشد. همانگونه که دیده می‌شود، ضرایب در مؤلفه‌های ایمنی ( $r=0/635$ ) و اجتناب ( $r=0/696$ ) معنی‌دار هستند ولی در مؤلفه اضطراب ( $r=0/34$ ) معنی‌دار نیست.

جدول ۱. آزمون معنی داری تفاوت میانگین‌ها بین پسران ایمن و نا ایمن

مؤلفه	گروه	میانگین	Std	t	Sig	متوسط تفاوت
آی.اچ.اچ	ایمن	۷/۹۶	۲/۳۷	۳/۴۴	۰/۰۰۲	۲/۴۸
	نا ایمن	۵/۱۴	۱/۴۷			
آی.اچ.اچ	ایمن	۳/۹۲	۱/۴۷	-۲/۲۴	۰/۰۰۴۳	-۱/۵
	نا ایمن	۵/۴۲	۲/۱۳			
آی.اچ.اچ	ایمن	۲/۸	۲/۴	-۳/۵۳	۰/۰۰۰۱	-۲/۴۵
	نا ایمن	۵/۲	۱/۱۸			

جدول ۲. آزمون معنی داری تفاوت میانگین‌ها بین دختران ایمن و نا ایمن

مؤلفه	گروه	میانگین	Std	t	Sig	متوسط تفاوت
ایمنی	ایمن	۹/۱۳	۱/۴۸	۵/۰۶	۰/۰۰۰	۲/۸۱
	نا ایمن	۶/۳۱	۱/۵۵			
اضطراب	ایمن	۳/۸۴	۱/۴۴	-۳/۵۳	۰/۰۰۱	-۱/۹۳
	نا ایمن	۵/۷۷	۱/۵۵			
اجتناب	ایمن	۲/۳۴	۱/۸۲	-۳/۳۱	۰/۰۰۳	-۲/۵۱
	نا ایمن	۴/۸۵	۲/۳۱			

جدول ۳. آزمون معنی داری تفاوت میانگین‌ها بین کودکان ایمن (دختر + پسر) و کودکان نا ایمن در

سه مؤلفه ایمنی، اجتناب، اضطراب

مؤلفه	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین	t	درجه آزادی	معنی داری
ایمنی	ایمن	۳۰	۸/۵۴	۲/۰۳	۰/۳۷۱	۵/۶۵۷	۵۸	۰/۰۰۰
	نا ایمن	۳۰	۵/۸۹	۱/۵۴	۰/۲۸۲			
اجتناب	ایمن	۳۰	۲/۵۷۸۳	۲/۱۱۰	۰/۳۸۵	-۴/۸۷۹	۵۸	۰/۰۰۰
	نا ایمن	۳۰	۵/۰۵۷۱	۱/۸۱۲	۰/۳۳۱			
اضطراب	ایمن	۳۰	۳/۸۸	۱/۴۳	۰/۲۶۱	-۴/۰۳۱	۵۸	۰/۰۰۰
	نا ایمن	۳۰	۵/۵۹	۱/۸۴	۰/۳۳۶			

جدول ۴. محاسبه معنی داری تفاوت برای چهار ویژگی رفتاری بین کل کودکان ایمن و کودکان نا ایمن

معنی داری	Z	میانگین گروه نا ایمن	میانگین گروه ایمن	تعداد	مشکلات رفتاری
۰/۰۰۴	-۲/۸۹۵	۳۵/۵۰	۲۵/۵	۶۰	مشکلات رفتاری
۰/۰۷۳	-۱/۷۹۳	۳۳/۰۰	۲۸/۰۰	۶۰	مشکلات تحصیلی
۰/۰۳۴	+۲/۱۲۵	۲۶/۵۰	۳۴/۵۰	۶۰	سازگاری با دوستان
۰/۰۲۵	+۲/۲۳۵	۲۶/۵۰	۳۴/۵۰	۶۰	سازگاری با قوانین مدرسه

جدول ۵. محاسبه ضریب همبستگی پیرسون بین کدگذار اول و دوم

معنی داری	ضریب همبستگی	تعداد	
۰/۰۰۳	۰/۶۳۵	۲۰	مؤلفه ایمنی
-	۰/۳۴۲	۲۰	مؤلفه اضطراب
۰/۰۰۱	۰/۶۹۶	۲۰	مؤلفه اجتناب

### روایی صوری یا محتوایی

آزمون با بررسی سوابق تحقیقاتی در مورد موضوع به تأیید دو نفر از اساتید (مظاهری و جمهری) در زمینه دل بستگی رسید.

روایی افتراقی: نمرات دو گروه ایمن و نایمن در مؤلفه‌های ایمنی، اضطراب و اجتناب (به تفکیک دختران و پسران) با آزمون t مستقل مورد سنجش قرار گرفت. جداول ۱، ۲، ۳ این نتایج را نشان می‌دهند. همانگونه که دیده می‌شود تمام تفاوت‌ها بین دو گروه ایمن و نایمن (پسران و دختران و کل) در سطح ۰/۰۱ یا بیشتر معنی‌دار هستند بیشترین تفاوت‌ها در دو گروه در مؤلفه ایمنی دیده می‌شود. این نتیجه توانایی افتراقی آزمون را اثبات می‌کند.

روایی همزمان: همزمان با اجرای مقیاس دل بستگی کودکان یک پرسشنامه محقق ساخته که براساس نتایج حاصل از تحقیقات قبلی در مورد وجود مشکلات رفتاری، تحصیلی، سازگاری با دوستان و با مقررات مدرسه تهیه شده بود در مورد کودکان گروه نمونه توسط معلم و معاون مدرسه تکمیل گردید. جدول ۴ نشان دهنده نتایج حاصل از اجرای این پرسشنامه است. همانطور که دیده می‌شود کودکان ایمن به صورت معناداری کمتر ( $Z = -2/89 \alpha = 0/004$ ) از گروه نایمن مشکلات رفتاری داشتند.

همچنین میزان سازگاری با دوستان و سازگاری با قوانین مدرسه برای کودکان ایمن بصورت معناداری بالاتر از کودکان نایمن ( $Z = 2/23 \alpha = 0/0025$ ) بوده است ولی در مورد وجود مشکلات تحصیلی جدی با وجودی که کودکان ایمن کمتر از کودکان نایمن مشکلات تحصیلی داشتند ولی تفاوت معنی‌دار نبوده است این نتایج با نتایج تحقیقات قبلی در این زمینه هماهنگ می‌باشند.

### سنجش اعتبار

نتایج نشان می‌دهند با توجه به اینکه امکان بازآزمایی، تهیه فرم‌های موازی و یا دو نیمه کردن آزمون‌های فرافکن وجود ندارد تنها راه ممکن برای تعیین اعتبار استفاده از آزمون (آلفای کرونباخ) برای تعیین همسانی درونی آزمون بوده است. ضریب آلفا برای مؤلفه ایمنی = ۰/۸۱۶ و برای مؤلفه اضطراب = ۰/۶۱۹ و برای مؤلفه اجتناب = ۰/۷۸۰ بوده است. که نشان‌دهنده همسانی درونی قابل قبول می‌باشد.

### توافق بین کدگذاران

با توجه به اینکه دیدگاه‌های مختلف تجارب مختلف و نوع و میزان آموزش دیدن کدگذاران می‌تواند روی نتایج حاصل از تحلیل محتوا مؤثر باشد، تعیین ضریب توافق بین کدگذاران یکی از راه‌های تعیین اعتبار آزمون‌های فرافکن است (کریتندن و کلاوسن ۱۹۹۴ کوباک و اسپوزیتو و سرویک ۲۰۰۳، سولومون و جورج ۱۹۹۹)<sup>۱</sup> در آزمون فعلی به جز محقق یکی از همکاران او مصاحبه‌ها را کدگذاری کردند. نتایج جدول ۵ نشان دهنده ضریب همبستگی بین نمره گذاری‌های کدگذار اول و دوم می‌باشد. همانگونه که دیده می‌شود ضرایب در مؤلفه‌های ایمنی ( $r = 0/635$ ) و اجتناب ( $r = 0/696$ ) معنی‌دار هستند ولی در مؤلفه اضطراب ( $r = 0/34$ ) معنی‌دار نیست.

### بحث و نتیجه گیری

هدف از این رساله ساخت و اعتباریابی یک آزمون فرافکن تصویری برای سنجش دلبستگی کودکان ۱۲-۶ ساله و متناسب با فرهنگ ایرانی بوده است. نتایج بررسی‌ها وجود اعتبار و پایایی کافی برای این آزمون را به اثبات رساندند. در اینجا به بحث پیرامون علل نتایج مشاهده شده می‌پردازیم.

وجود تفاوت معنی‌دار بین دختران و پسران ایمن و نایمن و کل گروه‌های ایمن و نایمن نشان‌دهنده توانایی افتراقی آزمون برای نوع ایمنی کودکان است. جالب توجه است

1. Crittendan & Clavssen (1994), Kobak, Esposito & Serwik (2003), Solomon & George 1999



که در دختران بیشترین تفاوت در مؤلفه اضطراب و در پسران در مؤلفه اجتناب است. به عبارت دیگر نایمنی در دختران بیشتر به صورت اضطراب (زیرگروه‌های دل‌مشغول و هراسیده) و در پسران به صورت اجتناب (زیرگروه منفصل) مشاهده می‌شود. با توجه به آموزش نقش جنسی می‌توان گفت دختران نایمن بیشتر به سوی احساس اضطراب و نگرانی از طردشدن و تنها ماندن سوق داده می‌شوند (تشدید و وابستگی (نایمن) به خانواده و نگار دلبستگی) که از نظر اجتماعی برای دختران مقبول‌تر است در حالی که پسران نایمن به سوی خودمختاری، استقلال و اجتناب از ایجاد دلبستگی و عدم توجه به روابط عاطفی سوق داده می‌شوند در بیشتر فرهنگ‌ها از جمله فرهنگ ایرانی مستقل بودن جزء نقش‌های جنسیتی مردانه و صفات مناسب برای مردان است.

در کل گروه ایمن (دختر + پسر) نمرات مؤلفه ایمنی بالاتر از مؤلفه‌های اضطراب و اجتناب بود. همچنین نمرات اضطراب و اجتناب گروه نایمن بصورت معنی‌داری بالاتر از گروه ایمن بوده است. این نتایج تأییدکننده نتایج تحقیقات قبلی (برنان، فرالی، والر ۲۰۰۰، برنان، کلارک، شیور ۱۹۹۸)<sup>۱</sup> است که از طریق فرا تحلیل تحقیقات دلبستگی به وجود دو مؤلفه اضطراب و اجتناب در دلبستگی پی بردند. البته باید توجه داشت، در کودکان سن دبستانی رفتارهای نشان‌دهنده اضطراب و اجتناب تفاوت‌های کمی و کیفی بسیاری با رفتارهای بزرگسالان دارد. برای مثال کودکان در این سنین هنوز در مرحله تفکر عملیاتی عینی بسر می‌برند و توانایی تفکر انتزاعی درباره روابط خود با دیگران را ندارند به همین دلیل بازنمایی‌های عمومی و تعمیم یافته از رابطه دلبستگی ظاهر شده در دوره کودکی میانه (بلک و همکاران ۲۰۰۰) هنوز رشد و تحول پیدا نکرده‌اند و لازم است قابلیت‌های شناختی و اجتماعی کودک کامل‌تر شوند تا بتوان از یک الگوی تعمیم یافته همچون آنچه در بزرگسالی دیده می‌شود صحبت کرد. لذا لازم است با این مقوله به صورت تجربی‌تری برخورد شود.

1. Brennan, Clark & Shaver 1998 , Brennan , Fraley & Waller 2000

در تحقیقات قبلی در مورد ویژگی‌ها و استواری رابطه دلبستگی در کودکان ۹-۱۲، (گرانات و می سلس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱، کوباک و همکاران ۲۰۰۳) محققان دریافتند روش‌های فرافکن و مصاحبه‌ای آنها یک توصیف کلی و عمومی و یا سطح ذهنی کودک را در رابطه با یک رابطه دلبستگی نشان می‌دهد نه اینکه اطلاعات خاصی درباره جنبه‌های ارتباط با یک نگار دلبستگی فراهم کند. در آزمون فرافکن تصویری با توجه به اینکه حیوانات فاقد ویژگی‌های نمادین جنسیتی هستند، کودک می‌تواند آنها را به جای هر نگار دلبستگی که در ذهن دارد قرار دهد (کاری که در عروسک بازی ممکن نیست) و لذا می‌توان علاوه بر سطح کلی و عمومی درباره رابطه دلبستگی به جنبه‌های خاص تر ارتباط کودک با نگار دلبستگی‌اش و یا نوع ارتباط دلبستگی که با مراقب خود دارد پی برد. برای مثال پیش می‌آید که کودک با مادر خود رابطه دلبستگی ناایمن و با پدر، خاله و یا پدر و مادر بزرگ خود رابطه ایمن دارد و این رابطه را در داستان‌هایش بازنمایی می‌کند. در عین حال باید توجه داشت که در اواخر دوران کودکی میانه و پیش نوجوانی الگوهای عمومی تر و پایدارتر دلبستگی ظاهر می‌شوند (آمانیتی و همکاران ۲۰۰۰)<sup>۲</sup> به همین دلیل در دوره کودکی میانه درهم تنیدگی عمیقی در دو نوع بازنمایی‌های عمومی و اختصاصی وجود دارد و باید در تعبیر و تفسیر نتایج آزمون فرافکن به آنها توجه نمود.

تحقیقات قبلی (برای مثال بلسکی و کمپل<sup>۳</sup> ۱۹۹۶، بلک، جایگر، مک کارتنی و کری تندن ۲۰۰۰، کراون، فرالی و شیور ۱۹۹۹، کانتراس، کرنز ۲۰۰۰، کوک ۲۰۰۰) نشان داده‌اند که کودکان ناایمن دارای مشکلات سازگاری و رفتاری بیشتری نسبت به کودکان ایمن هستند. نتایج تحقیق فعلی نیز نشان دادند کودکان ایمن دارای مشکلات رفتاری کمتر، و سازگاری بیشتر با دوستان و مقررات مدرسه خود هستند. تنها موردی که تفاوت‌ها معنی‌دار نبود به وجود مشکلات تحصیلی جدی مربوط می‌شد. کودکان ناایمن مشکلات تحصیلی بیشتری نسبت به کودکان ایمن دارند و علت این امر احتمالاً وجود رفتارهای ناسازگار عمومی و نداشتن تمرکز حواس کافی در خانه و مدرسه هنگام درس خواندن

1. Granot , Mayseless 2001  
2. Ammaniti et al (2000)  
3. Belsky , Campbell (1996)

است ولی در عین حال هیچ تحقیقی نشان نداده که منحنی توزیع هوشبهر بین کودکان ایمن و نایمن متفاوت است. توجه به این نکته از آنجا ضروری است که با تشخیص و مداخله درمانی و به موقع در موارد وجود دلبستگی نایمن می‌توان جلوی افت تحصیلی و متعاقب آن بروز ناکامی، فرار از مدرسه و بروز آسیب‌های اجتماعی بعدی را تا حد زیادی گرفت.

مهمترین محدودیت‌های آزمون فرافکن تصویری عدم دسترسی به آزمون‌های معتبر و مورد توافق در این زمینه و دوره سنی در ایران برای بررسی روایی همزمان است لازم است با مناسب‌سازی آزمون‌های معتبر جهانی و ابداع آزمون‌های مناسب برای فرهنگ‌های ایرانی این کمبود جبران گردد. تعداد کم کودکان جامعه در دسترس امکان هنجاریابی برای آزمون را ناممکن می‌گردانید و به همین علت امکان بررسی بیشتر در مورد زیر گروه‌های دلبستگی نایمن (دل‌مشغول، اجتنابی و هراسیده) وجود نداشت. لازم است در آینده با انجام تحقیقات وسیع‌تری که در برگیرنده کلیه نمونه‌های جمعیتی و قومی کشور باشد کار هنجاریابی برای آزمون انجام شود. امید است در تحقیقات آتی این مشکلات به تدریج رفع شوند.

در کل می‌توان گفت آزمون فرافکن تصویری برای سنجش دلبستگی در کودکان ۶-۱۲ ساله از ویژگی‌های مناسب برای یک آزمون کارآمد برخوردار می‌باشد.

#### منابع

ساخت و هنجاریابی مقیاس دلبستگی در کودکی میانه (۱۳۷۸). رونقی، س، مظاهری م.ع، دلاور. ع، زیر چاپ.

- Ainsworth M. D. S. (1967). *Infancy in Uganda: Infant care and the growth of Love*. Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- Ainsworth M. D. S. (1990). *Epilogue: Some consideration regarding theory and assessment relevant to attachment beyond infancy*. In M. R. Greenberg (Eds). *Attachment in the preschool years* (pp 463-488) Chicago: University of Chicago press.

- Ainsworth, M. D; Blehar, M. C.; Waters; E & Wall. S. (1978) *Patterns of attachments: A psychological study of the strange situation*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Ammaniti, M.; Van I. Jzendoorn, M; Speranza, A & Tambelli. R (2000) *Internal working models of attachment during late childhood and early adolescence: An exploration of stability and change*. *Attachment and Human Development* 2. (323- 346).
- Belsky. J; Campbell. S (1996). *Instability of attachment security*. *Developmental psychology*, 32, (921-924).
- Black, K. A.; Jaeger. E, Mc. Cartney & Crittenden P. M. (2000). *Instability of attachment models, peer interaction behavior and feeling about the self*. In P. M. Crittenden (Eds). (pp. 300-324). New Yourk: Cambridge University press.
- Brennan, Fraley & Waller (2000). *An item respose theory analysis of self- report measures of adult attachment*. *Journal of personality and Social psychology*, 78 (350-365).
- Brennan, Clark & Shaver (1998) *Self- report measurement of adult Attachment: An integrative overview*. In J. A. Simpson & W. S. Rholes (Eds) *Attachment theory and close relationships* (pp 46-79) New York: Guilford press.
- Bowlby. J (1969-1982). *Attachment and loss: Vol 1. Attachment*. New York: Basic books.
- Contreras J. M & Kerns K. A. (2000). *Emotion regulation processes: Explaining links between parent- child attachment and peer relationships*. In K. A. Kerns (Eds). *Famiky and peers: Linking two social worlds* (pp. 1-25). West port, CT: praeger.
- Crowell, J. A; fraley, R, C. & Shaver P. R (1999). *Measurment of individual differences in adolescent and adult attachment*. In J. Cassidy and P.R. Shaver (Eds). *Hand book of attachment* (p. p. 434- 465). New York: Guilford press.
- Crittendan, P. M. & Claussen, A. H. (1994) *Validtion of two procedures for assessing quality of attachment in preschool years, paper presented at the biennial meeting of the International Conference on Infant Studies, Paris*.
- Green J, Stanley C.;Smith, V.; Goldwyn. R (2000). *A New method of evaluating attachment representation in young school- age children: The Manchester Child Attachment Story Task*, *Attachment and Human Development*. 2. (48-70).
- George, C & Kaplan, N. & Main M. (1996) *Adult Attachment Interview (3rd ed) unpublished manuscript*, University of California at Berkely.
- George, C & Solomon, J. (1996 a-b). *Representational models of relationships: Links between Caregiving and attachment*. *Infant Mental Health Journal*, 17. (198-216).
- Granot, D, & Maysseless, O. (2001): *Attachment security and adjustment to school in middle childhood*, *International Journal of Behavioral Development*, 25, (530-541).
- Hazan, C. & Shaver, P. (1994). *Attachment as an organizational framework for research on close relationships Inquiry*, 5, 1-22.
- Kobak, R, Esposito, A. J. & Serwik. A (2003) *Measuring the attachment hierarchy; Implications for child psychopathology and stress reactivity*. Paper presented at the biennial meeting of the Society for Research in Child Development, Tampa. FL.
- Nunnally, J. C. (1978). *Psychometric theory*. New York: Mc Graw- Hill.